

سالمندان را در دهکده های سالمندان، منزوی نخواهیم کرد

دکتر محمد کمالی

در خبرها از قول آقای دکتر عسگری فر- مشاور محترم بین الملل ریاست محترم سازمان بهزیستی کشور-آمده بود: “دهکده های سالمندان در کشور راه اندازی می شود“. برای حقیر که به تعبیری ، در این زمینه - حداقل در سازمان بهزیستی - مسؤولیتی دارم ، موضوع بنظرم عجیب آمد. چه الگوهایی این چنین، سالهاست که منسوخ گردیده است و زنده کردن دوباره آنها صواب نیست.

بعد از جنگ جهانی دوم ، خیل عظیم معلولین بجای مانده از جنگ، دست اندرکاران جوامع را برآن داشت تا با ایجاد مراکز ویژه و نیز ساختمانهای مسکونی مناسب با نوع معلولیت افراد، وضعیت زندگی نسبتاً مناسبی را برای آنان فراهم نمایند. دهکده “استوک مندویل” در انگلستان شاید مهمترین و گسترده ترین دهکده از این نوع بوده که تلاش شد تا همه امکانات یک زندگی مطلوب را در شهرکی خارج از لندن برای معلولین فراهم نماید. گسترش فرهنگ تلفیق اجتماعی و نیاز به زندگی در اجتماع ، از اواخر دهه 60 میلادی و در دهه 70 باعث گردید تا معلولین نسبت به پدیده (جداسازی) واکنش نشان دهند، و از جامعه بخواهند تا آنان را بعنوان شهروندانی که حق زندگی و بهره مندی از مواهب اجتماعی را دارا هستند، بپذیرند. این امر حتی بر تعریف معلولیت نیز تاثیر گذارد و تعریف معلولیت که تا قبل از این سال، متوجه معلول و وضعیت جسمی و روانی وی بوده و در این میان مقصر اصلی او را می پنداشت ، به تعبیری تغییر یافت که اختلال و ناتوانی را در سطح عضو و عملکرد شخص در نظر می گرفت اما چنانچه جامعه مسیرهای لازم را برای حضور فعال وی در صحنه های اجتماع فراهم نمی کرد، این جامعه دچار معلولیت محسوب می گشت نه فرد.

از 1980 با پیدایش فرهنگ جامع نگری به مسائل بهداشت، پزشکی و توانبخشی و بویژه استقرار فعالیت های “توانبخشی مبتنی بر جامعه” و نیز فرهنگ “آموزش برای همه” و لزوم تلفیق دانش آموزان استثنائی و عادی و به دنبال آن تعبیر “آموزش فراگیر” ، پدیده “جداسازی افراد دارای ناتوانی و معلولیت از جامعه” رنگ باخته است. نه تنها معلولین و سالمندان دیگر حاضر به پذیرش زندگی جدا نیستند بلکه جوامع نیز بلحاظ حقوقی موظف به بستر سازی مناسب برای ادامه زندگی فعال آنان در متن جامعه هستند.

در حال حاضر جمعیت جهان به سوی سالمندی می رود در آینده نزدیک جمعیت سالمندان از جمعیت جوانان بیشتر خواهد شد. خانه های سالمندان در بسیاری از کشورها به محلی برای انزوا و طرد شدن از جامعه تعبیر

می شوند، بسیاری از سالمندان از شمول خدمات اجتماعی و بیمه محروم هستند. سالمند آزاری به پدیده نگران کننده ای در این دوران تبدیل شده است جوامع آسیایی و آفریقایی هم که هنوز احترام بزرگترها و ریش سفیدان را از فرهنگ خود خارج نساخته اند، به سرعت در حال گذر به دوران سالمندی هستند و متأسفانه در این کشورها هنوز موضوع بعنوان مسئله ای با اهمیت در نظر گرفته نشده است.

در کشور ما، نیز دولت باید از هم اکنون به فکر تامین مسکن، امکانات پزشکی و بهداشت و نحوه تامین زندگی سالمندان باشد. سرعت تحولات آنقدر شتابان است که جمعیت فعلی سالمندان در آینده ای نزدیک دوبرابر خواهد شد. نتایج پژوهشها حاکی از آن است که سالمندان چنانچه تحت مراقبت فرزندان در محیط خانواده قرار گیرند کمتر به بیماری، افسردگی و فراموشی دچار می شوند و با اشتغال به کارهای متنوع، شاداب و سبک همچون باغبانی، هنرهای دستی، مطالعه و غذا درست کردن و..... روحیه مثبت و قوی برای ادامه زندگی پیدا خواهند کرد. همچنین مطالعات نشان می دهند که به سربردن در آسایشگاههای سالمندان، گوشه آپارتمان و محیط های جدا شده از اجتماع، تاثیری منفی در روحیه آنان داشته و نه تنها به کاهش مسائل و معضلات آنان نمی انجامد، بلکه به مرور زمان سلامت جسمی و روحی آنان را نیز در معرض آسیب جدی قرار می دهد. دوران سالمندی، قدم گذاشتن به دنیایی است که به مرور با فاصله گرفتن از جامعه و خانواده همراه است و نیز احساس اینکه اوتاثیر مثبتی در محیط زندگی نخواهد داشت. حال بجای در برگرفتن و توجه ویژه به او، تصور نمائید جدا ساختن او از خانواده و اجتماع چه تاثیر ناگواری بر ادامه زندگی خواهد داشت.

آنچه تا امروز در سیاستهای سازمان بهزیستی کشور، مطرح بوده است، تقویت ارتباط بین نسلی، تحکیم جایگاه سالمند در جامعه و خانواده، توجه به سلامتی و پیشگیری از بیماری و ناتوانی سالمند، محدودیت در گسترش مراکز شبانه روزی سالمندان و تقویت و گسترش مراکز روزانه سالمندان می باشد. بنابراین، طرح مسائلی همچون دهکده های سالمندی که چیزی جز جدا ساختن بیشتر سالمندان از محیط اجتماع و خانواده راه، بدنبال نخواهد داشت، در برهه امروز اصولی و صحیح نیست و در برنامه های سازمان نیز جایگاهی ندارد.

امروز نیازمند آنیم که به کودکان و جوانان بیاموزیم، سالمندان گنج های معنوی جامعه اند، باید به آنها احترام بگذاریم و با صمیمیتی هرچه تمامتر آنان را در جمع خانواده پذیرا باشیم و اجازه ندهیم خلاء های عاطفی، مشکلات جبران ناپذیر جسمی و روحی در ایشان ایجاد کنند. البته وظیفه ما بعنوان دولت فراهم کردن بسترهای اجتماعی برای حضور فعال آنان در جامعه است، ایجاد مراکز روزانه سالمندان که اینک در دستور کار جدی سازمان و مراکز غیردولتی و شهرداری ها قرار گرفته است می تواند در بهبود فضای اجتماعی و خانوادگی سالمندان نقش بسیار مهمی ایفا کند و بدانیم “جدا سازی” سالمندان از جامعه، آفتی خطرناک برای اجتماع آتی خواهد بود.